



فاتح

تسريح

نشریه گفتمان
انقلاب اسلامی

سال یازدهم | شماره ۲۶۷ | ۳۰ تیر ۱۴۰۲

ویژه نامه تکریم قرآن کریم

آینده از آن اسلام است

ملی‌گراهای خوب و بی‌سر و صدا

علی آبکار



«جنگ ما، جنگ عقیده است و جغرافیا و مرز نمی‌شناسد». بیش از ۳۵ سال از آن روزی که این کلمات وارد تاریخ سیاسی ایران شد، گذشته است. مشهور است که نقطه‌ی مرور باورها، نقطه‌ی آغاز کم‌رنگ شدن آن‌هاست. وقتی باورها در سرآشینی فراموشی قرار می‌گیرند، رهبران الهام‌بخش دوباره برمی‌گردند و اصولی که روزگاری بدیهیات نهضت آن‌ها بوده را دوباره به زبان می‌آورند تا گردانزوا از آن‌ها بتکانند و به جامعه نهیب بزنند که چاه کجاست و راه کدام است و آن روز، روزی که امام خمینی در تابستان سال ۶۷، مجبور شد ایده‌ی «تفوق عقیده بر مرز» و «جهان‌وطنی» را دوباره - آن هم به شفاف‌ترین شکل ممکن - طرح کند، ماجرا از همین قرار بود. ایده‌های رهایی‌بخش دانشت زیر دست و پای ملی‌گرایی دوران پساجنگ له می‌شد. بوروکرات‌ها که تا آن روز به لطف «مبارزه عقیدتی» رزمندگان توانسته بودند در تهران سیاست‌ورزی کنند و مجمع عقلا تشکیل بدهند، حالا به تکاپو افتاده بودند که «عقیده» را به حصار ملی‌گرایی بیندازند تا جمهوری اسلامی هم بشود یک دولت - ملت «نرمال». یک بازیگر «غیر تنش‌زا» در «تقسیم کار جهانی».

یک پسر خوب و کم سروصدا که سرش توی لاک خودش هست و «ماجراجویی» نمی‌کند. ملی‌گراها تا آن روز به قدر کافی توانسته بودند از «عقیده» سواری بگیرند. آن‌ها ۱۰ سال بحرانی - از ۵۷ تا ۶۷ - را در پست‌های سیاست قایم شدند تا رزمندگان جنگند و با بحران‌ها را یک به یک خنثی کنند. حالا بعد از ۱۰ سال، زمان تقسیم غنائم و مصادره دستاوردها بود. هرآن کس که به ایده «جهان‌وطنی» و «مبارزه بدون مرز» تعلق داشت، دیوانه انگاشته شد و از روندها حذف شد و به تدریج ادبیات «دفاع از خاک»، همه واقعیات جنگ را بلعید. مرز پرست‌ها و ملی‌گرایی که در آن ده سال، بقاییشان را مدیون رزمندگان معتقد به ایده «جنگ برای عقیده» بودند، حالا از لانه‌هایشان بیرون جسته بودند و فریاد «نفی عقیده» و «تقدم مرز» سر می‌دادند. پوزخند تاریخ اینجاست که از دوران بعد از مشروطیت، تمام ایده‌های ملی‌گرایانه به از دست رفتن خاک ایران و تجاوز پایدار به مرزهای ایران منتهی شده بود. تنها ایده‌ای که در تاریخ ایران توانسته بود «مرزهای جغرافیایی» را حفظ کند، از قضا ایده «تفوق عقیده بر مرز» بود. فرصت‌طلبان به ظاهر ملی‌گرا که بیش از آنکه دغدغه مرز داشته باشند دغدغه موجودیت خودشان را دارند، بی‌توجه به این واقعیت تاریخ و مصالح ملی‌گرایانه و سرزمینی، آن قدر در بوق‌های تبلیغاتی‌شان دمیدند و آن قدر تاریخ را به روایت «جنگیدن برای خاک» روایت کردند که حالا در انقلابی‌ترین نهادهای رسانه‌ای کشور هم راهبرد اصلی، خاک است و مرز و جغرافیا. امروز سال‌ها از آن نقطه‌ی آغاز گذشته است. از آن هشدارها و آن مرور باورهای فراموش شده. از آن روزها که «ایده پیروز» را منزوی کردند و به اسم ملی‌گرایی، تنها ایده موفق در حفظ تمامیت ارضی را به انزوا کشانند. امتداد آن مسیر «عقیده‌زدایی» و فریب کردن ملی‌گرایی، رسیده به جایی که ما در آن ایستاده‌ایم. امروز دیگر ردهای ناسیونالیسم را در همه جامی‌توانیم ببینیم و خبری از ایده «مبارزه بدون مرز» نیست. حمایت از پابرهنگان و محرومان جهان، به «منافع ملی» گره خورده و محور مقاومت در منطقه، به «سپر انسانی» ایران تعبیر می‌شود. اگر هم گه‌گاه مبارزه‌ای را تجویز می‌کنند در راستای موازنه قدرت تحلیل می‌کنند

امروز، به اسم یک وحدت فرمالیته و بی‌معنا حول مرز و خاک و جغرافیا، وحدت براساس ارزش‌ها و آرمان‌ها نفی می‌شود.

«نرمال شدن» سیر شب و روز می‌گذراند.

امام روح الله علیه السلام | محرم، ماه تعلیم سازندگی

ماه محرم برای مذهب تشیع، ماهی است که پیروزی، در متن فداکاری و خون به‌دست آمده است.



صحیفه امام، جلد ۵، صفحه ۲۸۳



هزینه کمتر دشمن = هزینه بیشتر برای ما

مرتضی نیازی

مگر با یک مقابله جدی مواجه شود که نکبت عملش گریبان خودش را بگیرد. به قول یکی از بزرگان این نکته را حتی بچه‌های خردسال نیز درک می‌کنند. زمانی که یک‌لقمه او را از دستش بگیرد و او مقابله نکند، بعد پول‌هایش را بگیرد، متوجه می‌شود که برای باج ندادن باید محکم بایستد. از روح کلی حاکم بر احکام شرعیه در این موضوعات نیز این‌گونه فهمیده می‌شود که اسلام هم همواره خواسته است تا به‌گونه‌ای هزینه را برای اقدام‌کننده به این اعمال بالا ببرد که احتمال انجام مجدد آن برای دیگران را بسیار کم کند. احکامی چون مهدورالدم اعلام کردن فرد هتاک، کار دشمن دشمنی و کار هتاک هتاک‌گری کردن است و تا رسیدن به هدف نهایی دست نخواهد کشید. مهم این است که در عین اینکه مصالح و مفاسد را در نظر داریم، بیشترین ضربه را به دشمن وارد کنیم و این کار را با صرف محکوم کردن درست نخواهد شد. در این زمینه هم از دستگاه دیپلماسی توقع بیشتری می‌رود تا اقدامات جدی‌تری انجام دهند، هم از امت اسلامی در اقصی نقاط عالم انتظار مقابله‌های شدیدتری می‌رود.



باری، تقابل با ظالم و ظلمت فریضه است و تقابل فدایی می‌طلبد. کنون که سیاستمدار فقط محکوم کردن به یاد دارد، بر عموم مسلمین است که دست به اقدام زند که کارساز افتد. تحریم کالا و تقاضای اخراج سفرا شروع تقابل است. اخبار این تخاصم را در کانال فتح دنبال کنید.

حمایت از پوشش

یک ماه از بی‌حرمتی قبلی به ساحت قرآن کریم توسط آن حیوان نگذشته، روز گذشته دگربار عمل شنیع‌تر و فجیع‌تر آتش به دلمان انداخت. همان فرد عراقی الاصل، باز هم با مجوز رسمی از مقامات سوئدی دست به هتک قرآن کریم و امام جامعه مسلمین زد. اقدامی که در عین اینکه عمیقاً همگی ما را متأثر کرد و قلب‌ها را به درد آورد؛ اما به‌نوعی قابل‌پیش‌بینی بود. شاید تحلیل این موضوع نیاز به بررسی‌های خیلی عمیق و دقیق نداشته باشد؛ مدل عملکرد چنین افراد و گروه‌هایی بدین صورت است که بر اساس هزینه‌ها و منافع کسب شده تصمیم‌گیری می‌کند. اگر عملی انجام شد که هزینه‌هایش حداقلی و منافع کسب شده آنان حداکثری بود در وهله بعدی پا را فراتر گذاشته و دست به اقدامی بدتر می‌زند. قرآن سوزی اول که توسط "مومیگا" رخ داد، هزینه جدی برای فاعلان و دولت سوئد در بر نداشت. نتیجه ارزان تمام شدن این کار، رواج اهانت و بی‌حرمتی است.

با مرور سر تیتراخبار مربوط به واکنش کشورهای مختلف پس از این اقدام تک‌جمله‌ای که با بیشترین تکرار به چشم می‌خورد "محکوم کردن" است. همه محکوم کرده‌اند. همه حتی ما. صرفاً محکوم کرده‌ایم. کشور عراق بود که لابد عقلانیت سیاسی ندارد پس منافع ملی را کنار گذاشته و آن اتفاقات را رقم زد!

القصد دشمن متوجه شد انگار توهین به مقدسات آن قدر برایش هزینه درست نمی‌کند و او این کار را آن قدر ادامه خواهد داد و آن قدر گام را فراتر خواهد گذاشت تا به اهداف خود برسد.

امیر عبداللہیان، دبیرکل جدید سازمان ملل

بررسی اقدامات وزارت امور خارجه در واکنش به هتاک کلام الله مجید

سید فؤاد علوی

کشورهای عربی و اسلامی سفرای سوئد را اخراج کنند

ما متأسف و ناراحت هستیم از آنچه رخ داد، یک عمل زشت جدید و آن هتک حرمت قرآن ما بود. هتک حرمت به قرآن همه مسلمانان را متأثر می‌کند و من از همه مسلمانان می‌خواهم که از دولت‌هایشان بخواهند که سفیران خود را از سوئد فرا بخوانند و سفرای سوئد را از کشورهای عربی و اسلامی اخراج کنند. از همه خواهران و برادران می‌خواهم روز جمعه، یک جمعه معمولی نباشند و مساجد و نمازخانه‌ها مملو از قرآن شوند و در مقابل مساجد تجمع شود.

پیام تحسن روز جمعه ما در مقابل همه مساجد باید این باشد که از دولت‌ها بخواهیم سفیران خود را از سوئد فرا بخوانند و سفیران سوئد را اخراج کنند.

فراخوانی ویژه برای تحسن بعد از نماز جمعه داریم و از دولت لبنان می‌خواهیم در اعتراض به هتک حرمت مسلمانان، سفیر سوئد را از لبنان اخراج کند.

روز جمعه در مقابل مساجد برای حمایت از قرآن کریم تجمع خواهیم کرد و جمعه شب نیز در مجالس با قرآن خواهیم بود. ما به همه دنیا می‌گوئیم این قرآن را با قلب و خون خود حفظ خواهیم کرد و این همه مسئولیت ما است و همه دنیا باید ببینند که وقتی مصحف ما مورد هتک حرمت قرار گرفت، چگونه آن را در آغوش می‌گیریم و می‌خوانیم.



در سوئد، دستور توقف تمامی فعالیت‌های این کشور در افغانستان را صادر کرد. ذبیح‌الله مجاهد، سخنگوی حکومت طالبان گفته است تا زمانی که سوئد از مسلمانان بابت «توهین به قرآن» عذرخواهی نکند تمامی فعالیت‌های این کشور در افغانستان متوقف خواهد بود.

اما واقعا علت این واکنش ضعیف چیست؟ وزارت خارجه نشان داده در جایی که بخواهد می‌تواند واکنش‌های شدیدی نشان دهد. برای مثال در قضیه بیانیه مشترک روسیه و شویا همکاری خلیج فارس، حتی بعد از آن که روسیه بارها تکرار کرد که به تمامیت عرضی ایران احترام می‌گذارد؛ اما هنوز هم دیپلمات‌های وزارت خارجه برای فتح تیتراهای رسانه‌های اصلاح‌طلب غرب‌گرا از همدیگر برای موضع‌گیری ضد روسی در حال سبقت‌گرفتن هستند. پس استعداد و توان واکنش در وزارت خارجه موجود است؛ اما سیاست این وزارتخانه تساهل در باب مقدسات دینی و اقدامات مو بلوندهای اروپایی و آمریکایی است. این همان سیاستی است که از حدود یک دهه گذشته و با به‌قدرت‌رسیدن محمدجواد ظریف در وزارت خارجه بر این وزارتخانه حاکم شد. حال اما سؤال جدید آن است که چرا اکنون که دو سال است که امیر عبداللہیان بر مسند وزارت تکیه زده است در بر همان پاشنه قبلی در حال چرخش است؟ جواب را اما باید در انتقادات وارده نسبت به وزیر وقت جست‌وجو کرد. امیر عبداللہیان با حفظ بسیاری از مدیران ارشد این وزارتخانه در سمت‌های خود در واقع ظریف را در پست خود ابقا کرده است. این روند تا زمان وجود این مهره‌های غرب‌گرا در این وزارتخانه ادامه خواهد داشت و خسارت‌های آن نیز متوجه مردم و دولت خواهد بود. حال باید دید افتادن تشنه این رسوایی باعث خواهد شد تا این چوب‌های لای چرخ توسعه‌کنار زده شوند یا کشور باد این استخوان‌های لای زخم باز هم تحمل کند؟

حدود دو هفته پیش پلیس سوئد به مردی اجازه داد تا به چند صفحه از قرآن کریم در مقابل مسجد اصلی شهر استکهلم بی‌حرمتی کند. سلوان مومیکا ۳۷ ساله که مسیحی و اصالتاً عراقی است، با کسب مجوز از پلیس سوئد چهارشنبه دو هفته پیش، هم‌زمان با عید قربان، قرآن این معجزه بی‌مانند رسول خدا را در مقابل بزرگ‌ترین مسجد سوئد مورد هتاک قرار داد. این اقدام باعث واکنش علما و مسلمانان سراسر کشورهای جهان شد. خیابان‌های کشورهای اسلامی از مراکش در قاره آفریقا تا اندونزی در اقیانوسیه شاهد تظاهرات متعدد مسلمین در واکنش به این حرکت موهوم بودند. همچنین وزارت امور خارجه بسیاری از کشورهای اسلامی و حتی برخی کشورهای غیراسلامی نیز واکنش تندی به این ماجرا داشتند و علاوه بر محکوم کردن این حرکت و گرفتن مواضع تند اقداماتی عملی نیز در این راستا انجام دادند. اما دولت سوئد بی‌توجه به این اعتراضات بار دیگر با اعطای مجوز به افرادی معلوم‌الحال اجازه اهانت به کتاب مقدس مسلمانان را صادر کرد. بدون شک هیچ تردیدی در محکوم بودن این اقدامات نیست؛ اما یک سؤال اساسی در این مسئله وجود دارد و آن هم این است که چرا واکنش‌های وزارت خارجه کشورمان بیشتر شبیه بیانیه‌های سازمان ملل متحد و کشورهای لائیک است نه کشوری که ۹۹ درصد جمعیت آن را مسلمین تشکیل داده‌اند و داعیه حکومت اسلامی را نیز دارد.

در حالی که وزارت امور خارجه سرگرم تکرار جملات زیبا و ساتن‌مانتال‌گوترش مانند خود (گوترش دبیرکل سازمان ملل متحد است) در باب احترام به عقاید همه و ضدیت این اعمال با حقوق بشر هستند و برای خالی نبودن عریضه سفیر یا کاردار سوئد را به وزارت خارجه احضار می‌کنند، ترکیه سوئد را برای عضویت در ناتو تحت‌فشار قرار داده است. کشور عراق دیپلمات‌های خود را از سوئد فراخوانده و حتی حکومت طالبان هم در اعتراض به اهانت صورت‌گرفته